شوخی کرونایی مرد روانی

معاون اجتماعی پلیس فتا ناجا از بازداشت منتشرکننده کلیپ انتشار ویروس کرونا در فضای حقیقی که فردی روان پریش بود، خبر داد.
سرهنگ رامین پاشایی به جام جم گفت: فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن فردی اقدام به انتشار ویروس کرونا بر روی صندلی، تیرهای چراغ برق و تنه درختان می‌کرد که باعث وحشت مردم شده بود. بنابراین این موضوع در دستور کار پلیس فتا قرارگرفت. این در حالی بود که تحقیقات نشان داد این ماجرا در یکی از محله های آذربایجان شرقی رخ داده که در ادامه تحقیقات متهم بازداشت شد.

وی افزود: در جریان تحقیقات از متهم معلوم شد که او بیماری روحی و روانی داشته و به خاطر وسواس فکری دست به این اقدام زده و فقط می خواسته با این کارها شوخی و سرگرمی برای خود ایجاد کند. همچنین در بررسی پزشکان معلوم شد او مبتلا به کرونا نیست.

گفت‌وگو با مرد مکانیک که پرستار سابق پسرش را کشت

دیه خواست، کشتمش!

معصومه ملکی
گروه حوادث

همه ماجرا در یک لحظه رخ داد. عصبانیت و ناتوانی در کنترل خشم از مرد مکانیک قاتل ساخت. قاتلی که پشیمان، چشم انتظار آینده است تا ببیند اولیای دم چه سرنوشتی برایش رقم می‌زنند. در «پشت صحنه یک جنایت» پرونده مرد مکانیک را بررسی کرده و درباره انگیزه‌اش از قتل پای صحبت او نشستیم.
به گزارش خبرنگار جام جم، چهارم بهمن سال گذشته بود که دختر ۳۷ ساله‌ای برای انجام کارهای روزانه‌اش از خانه پدری در یکی از محله‌های شهر تهران بیرون رفت و ناپدید شد.
خانواده‌اش هرچه جست‌وجو کردند ردی از او به دست نیامد. در ادامه آنها به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران رفته و ماجرای گم شدن وی را اطلاع دادند. در پی ناپدید شدن این زن، با دستور بازپرس ساسان غلامی، تحقیقات پلیسی ادامه پیدا کرد. ماموران در این مرحله از تحقیقات روی افرادی که آخرین بار با دختر جوان تماس یا دیدار داشتند متمرکز شدند تا این‌که سرانجام به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد، او با مرد ۴۷ ساله صافکاری اختلاف‌های مالی داشته و هر ماه برای دریافت مبلغی به محل کار او می‌رفته است. همین سرنخ کافی بود که این مرد برای تحقیقات به پلیس آگاهی تهران احضار شود. ماموران به تحقیق از او پرداختند که وی مدعی شد به این زن دیه‌ای را قسطی پرداخت می‌کرده و فقط یک قسط از پول دیه را به آن زن پرداخته و ماه دوم هرچه منتظر شده او برای دریافت پول نزد وی نیامده است و از سرنوشت آن زن خبری ندارد.
تنها مظنون قتل، آزاد شد اما همچنان ماموران رفت و آمد او را زیر نظر داشتند تا این‌که چند هفته بعد پلیس غرب استان تهران جسد سوخته‌ای را در سه راهی جاده آدران یافت که به این ترتیب خانواده دختر گمشده با دیدن این جسد در پزشکی قانونی از روی زنجیری که او به گردن داشت، هویت دخترشان را شناسایی کردند. با کشف جسد این دختر جوان که به قتل رسیده بود، ماموران دوباره به مرد بدهکار ظنین شدند و او احضار شد. وی همچنان منکر اطلاعی از سرنوشت دختر جوان بود تا این‌که وقتی فهمید پلیس جسد سوخته را یافته به قتل او اعتراف کرد.

پشت صحنه یک جنایت

خشم آنی تنها دلیل قتل نیست

دکتر میرحامد خانی
جرم‌شناس و استاد دانشگاه

در این پرونده شاهد آن هستیم که مرد میانسال معتادی در جریان درگیری با خانمی که طلب مالی بابت دریافت دیه از او داشته، وی را به قتل رسانده و جسد او را سوزانده است. نمی‌توان گفت در این پرونده عامل جنایت دچار خشم آنی شده و دست به قتل زده است. خشم آنی تنها دلیل این جنایت نبوده و عوامل زیادی دست به دست هم داده تا این جنایت شکل بگیرد. مجموعه‌ای از عوامل مستقیم و غیرمستقیم در این ماجرا نقش داشته. متهم این پرونده از همسرش جدا شده که همین باعث ازهم‌گسیختگی زندگی وی شده است. او سال‌ها بوده که گرفتار اعتیاد است و نیز فرزند معلول و بیماری داشته که نگهداری از آن زمان زیادی را طلبیده است. وقتی فردی از همسرش جدا می‌شود، با داشتن فرزند سالم، بار روانی و اجتماعی را تحمل می‌کند و حال در این پرونده شاهدیم متهم بعد از جدایی، فرزند معلول و بیمار داشته که زندگی‌اش به سمت و سویی رفته که بعد از جدایی بار روانی و اجتماعی زیادی را متحمل شده است. متهم پرونده برای این‌که شرایط زندگی خود را به سمت و سویی ببرد که از اعتیاد خلاصی یابد و بتواند زندگی خود و فرزند معلول خود را بهتر کند متاسفانه اقدام به ترک اعتیاد نمی‌کند. علاوه بر آن چون مشکل و بدهی مالی به مقتول پرونده داشته و نمی‌توانسته به‌درستی پول بدهی را بپردازد، در جریان دعوا با او به جای این‌که سعی کند مشکل پیش آمده را حل کند، صورت مسأله را پاک می‌کند. او در جریان درگیری با فرد طلبکار، او را به قتل می‌رساند. نمی توان گفت این فرد در پی خشم آنی دست به قتل زده باشد. گفته‌های متهم یا بزهکارانی مثل او که می‌گویند خشم آنی باعث شده دست به قتل بزنند، به‌دنبال توجیهی برای کاهش مجازات خود هستند. این افراد باید بدانند خشم آنی، از علل رافع مسؤولیت کیفری نیست و در صورت اصرار اولیای‌دم مجازات قصاص در انتظارشان است. افرادی که کنترلی بر خشم خود ندارند، نباید چاقو یا سلاح همراه خود داشته باشند زیرا در صورت کوچک‌ترین درگیری و عصبانیتی به سمت استفاده از آن می‌روند و جنایتی را رقم می‌زنند. این افراد باید راهکارهای کنترل خشونت را آموزش ببینند. همچنین خانواده اگر فردی معتاد در میان آنهاست به جای طرد او به‌دنبال درمانش باشند.

اگر فرصت می‌داد زنده می‌ماند

سهیل ۴۷ ساله متهم به کشتن و سوزاندن جسد دختر جوانی است. باورش نمی‌شود دست به جنایت زده و هنوز بهت‌زده است. زیر لب می‌گوید ای کاش یک لحظه خشم و عصبانیت را کنار می‌گذاشتم و قاتل نمی‌شدم. در حاشیه جلسه تحقیق، فرصتی پیش آمد تا با او گفت‌وگو کنیم که در ادامه می‌خوانید.

چه کاره‌ای؟

بخشی از حیاط خانه‌ام را تبدیل به مغازه مکانیکی کرده بودم و هزینه زندگی‌ام این طور جمع وجور می‌شد.

معتادی؟

بله تا قبل از زندانی شدن چند بار ترک کردم، اما دوباره رو به مصرف مواد آوردم.

همسرت از ماجرای قتل باخبر است؟

من همسری ندارم. چند سال است از هم جدا شدیم و تنها زندگی می‌کنم. ما ۱۷ سال قبل با هم ازدواج کرده بودیم، اما پسرم که به دنیا آمد متوجه شدیم او به بیماری فلج عضلانی مبتلاست. چند سال از او نگهداری کرد و بعد طلاق گرفت و رفت. من به‌سختی از پسرم نگهداری می‌کردم، اما او هم فوت شد.

چطور با مقتول آشنا شدی؟

نگهداری از فرزند بیمارم به تنهایی برایم خیلی سخت بود. تصمیم گرفتم که برای او پرستاری بیاورم. این‌گونه از طریق یکی از اقوام با مقتول آشنا شدم.

اما این پرستار نیز نتوانست زیاد دوام آورد و بعد از یک ماه و نیم نگهداری از فرزندم تسویه کرد و رفت و مجبور شدم دوباره خودم با همه سختی‌های گذشته از پسرم نگهداری کنم. اما بعد از چند ماه خانم پرستار سراغم آمد و گفت دستمزدی که به او داده‌ام کم است و پول بیشتری خواست.

پول بیشتری دادی؟

نه. با هم درگیر شدیم. او را کتک زدم که به‌شدت مصدوم شد. در دادسرا از من شکایت کرد. همین باعث شد در دادگاه محکوم شوم که ۲۰ میلیون تومان پول به عنوان دیه به او بپردازم.

پول دیه را پرداختی؟

هفت میلیون تومان و یک موتور داشتم که به او دادم اما باز کلی از آن پول مانده بود. قرار شد ماهی یک میلیون تومان به او بدهم و هر ماه برای دریافت آن به مغازه‌ام می‌آمد.

بعد چه شد؟

من قسط اولیه دیه را پرداختم. اما وقتی برای دریافت قسط دوم دیه به مغازه‌ام آمد ۴۰۰ هزار تومان پول کم داشتم. از او فرصت چند روزه خواستم که قبول نکرد.

دعوایتان شد؟

بله. من هرچه به آن دختر می‌گفتم برود و چند روز دیگر برای دریافت قسط دوم دیه بیاید بی‌فایده بود.

سروصدا می‌کرد و می‌ترسیدم همسایه‌ها متوجه ماجرا شوند و آبرویم بابت حضور این زن در مغازه‌ام برود. یک‌دفعه چشمانم به سیم کلاچ خودرو افتاد. می‌خواستم با آن سیم او را بترسانم که از مغازه بیرون برود و سروصدا نکند اما اتفاقی که نباید می‌افتاد، افتاد.

چه اتفاقی؟

آنقدر از دست آن دختر خسته و عصبانی شده بودم که نمی‌توانستم خشم خود را کنترل کنم. سیم را دور گردنش انداختم و آن را کشیدم. دست و پا می‌زد و من انگار صدای کمک‌خواهی و التماسش را نمی‌شنیدم. دقایقی همین‌طور سیم به دور گردنش آویخته شده بود. من آن را از دو طرف می‌کشیدم بعد که به خودم آمدم او از دست و پا زدن افتاده بود. وقتی سیم را از روی گلویش برداشتم پیکر او از دستانم جدا شده و کف مغازه افتاد.

با جسد چه کردی؟

ملحفه روغنی کنار خودرو افتاده بود که آن را برداشتم و جسد ملحفه پیچ‌شده را در صندلی عقب خودروام گذاشتم. آخر شب که شد، سوار خودرویم شدم که جسد در آن بود. مانده بودم با جسد چه کنم. دستپاچه بودم و چهره مقتول و نفس‌های آخرش، دست‌وپازدنش مقابل چشمانم بود. همین‌طور بی‌هدف با جسدی در خودرویم در خیابان و کوچه‌ها می‌گشتم تا این‌که وقتی به خودم آمدم نیمه‌شب شده و در جاده سه‌راهی آدران بودم. چند بار از خودرو پیاده و جسد ملحفه‌پیچ‌شده را نگاه کردم. خیلی گریه کردم که چرا دست به قتل زدم و خودم را بدبخت کردم. بعد جسد را از خودرویم بیرون آوردم و کشان‌کشان در بیابان بردم و انداختم. بعد همین‌طور که پکی به سیگارم می‌زدم، ته‌سیگارم را پرت کردم که باعث شد ملحفه روغنی جسد آتش بگیرد و ترسیدم و فرار کردم.

با اموال مقتول چه کردی؟

کیف و اموالش را در نزدیکی جسدش انداختم.

فکر می‌کردی بازداشت شوی؟

نه. فکر می‌کردم جسد سوخته و هویتش فاش نمی‌شود.

وقتی دستگیر شدی؟

سعی کردم با دروغ‌پردازی خودم را تبرئه کنم اما خون مقتول دامانم را گرفت و راز جنایت فاش شد.

برای چه کسی دلت تنگ شده؟

پسرم. دوست دارم بروم سر مزار او تا آرام شوم.

فکر می‌کنی بخشیده شوی؟

خانواده شاکی برایم درخواست قصاص کردند و فکر نمی‌کنم حالا حالاها به من رضایت دهند و باید هر روز و شبم با کابوس طناب دار سپری شود.

متهم:
همین‌طور که پکی به سیگارم می‌زدم، ته‌سیگارم را پرت کردم که باعث شد ملحفه روغنی اطراف جسد آتش بگیرد

سحر تبر کرونا گرفت

وکیل سحر تبر از ابتلای او به کرونا و بستری شدنش در بیمارستان سینا خبر داد. این در حالی است که روز گذشته رئیس زندان شهر ری، ابتلای این متهم به کرونا را تکذیب کرد.
به گزارش خبرنگار جام جم، سحر تبر از افراد معروف فضای مجازی و به اصطلاح شاخ اینستاگرام بود که صفحه شخصی‌اش به واسطه اعمال غیر متعارف او، آرایش‌های عجیب و غریبش و تقلید از شخصیت‌های کارتونی، دنبال‌کنندگان زیادی پیدا کرده بود. پرونده این دختر متولد ۸۰، مهرماه ۹۸ برای محاکمه به دادگاه ارسال شد. فاطمه دی‌ماه ۹۸ پای میز محاکمه رفت و در حالی که قرار بود نوبت دوم محاکمه او اول اردیبهشت امسال برگزار شود، خبر ابتلای او به کرونا منتشر شد. در حالی که مهدی محمدی، رئیس زندان شهرری روز سه‌شنبه ابتلای سحر تبر به کرونا را تکذیب کرده بود، دیروز پیام درفشان، وکیل سحرتبر در گفت‌وگو با جام جم گفت: «موکلم دو بار با مادر خود از بیمارستان سینا تماس گرفته و اطلاع داده اسکن ریه‌های او نشان داده هر دو ریه با ویروس کرونا درگیر شده است اما حال عمومی سحر خوب است و با اقدام به‌موقع مسؤولان زندان و انتقال به بیمارستان، تحت مراقبت قرار گرفته است.»
درفشان گفت: «صبح امروز من به معاونت قضایی دادگاه انقلاب مراجعه و درخواست کردم با تبدیل قرار بازداشت به قرار وثیقه موافقت کنند. از من خواسته شد جواب تست مثبت موکلم را ضمیمه پرونده کنم.»

اعدام عامل قتل عام خانوادگی

عامل قتل عام خانوادگی سال ۹۳ در خیابان رکنی همدان، صبح دیروز اعدام شد.
به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۱ اسفند سال ۹۳ زنی در تماس با پلیس همدان از قتل اعضای خانواده‌اش خبر داد. پس از حضور تیم جنایی در محل جنایت در خیابان رکنی، آنها با جسد دو پسر خانواده که با شلیک گلوله کشته شده بودند، رو به رو شدند. مادر و دختر معلول خانواده هم خفه شده بودند. زن جوان در تحقیقات اولیه گفت: من ساکن ماکو هستم و از چند روز قبل چند بار با اعضای خانواده‌ام تماس گرفتم، اما کسی پاسخگو نبود، به همین دلیل به ماجرا شک کرده و به همدان آمدم. بعد از ورود به خانه با جسد اعضای خانواده ام روبه‌رو شدم. ماموران به تحقیقات در این رابطه ادامه داده و بعد از ۴۰ روز ردپای مرد شروری را در این جنایت به دست آورده و او را دستگیر کردند. مرد جنایتکار در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: با پسر بزرگ خانواده در کار فروش عتیقه بودیم. دو سند سفید و مقداری عتیقه نزد او بود که روز حادثه برای برداشتن آنها وارد خانه شدم. فکر می‌کنم آنها به شیراز رفته‌اند، اما در خانه بودند و مجبور به قتلشان شدم. قاتل بعد از محاکمه در شعبه یک دادگاه کیفری استان همدان به قصاص محکوم شد که قضات دیوان عالی کشور مجازات او را تایید کردند. پنج سال پس از این جنایت، سحرگاه دیروز متهم در زندان به دار مجازات آویخته شد.

مرگ آتشین دزد در خودروی سرقتی

جسد سوخته سارق جوان در خودروی پراید سرقتی در حالی کشف شد که پلیس در جست‌وجوی مردی است که در زمان آتش گرفتن خودرو با او بوده است.
به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه صبح چهارشنبه بیست و هفتم فروردین امسال، آتش‌نشانان ایستگاه ۳۷ برای خاموش کردن خودروی پراید در حال سوختن در کوچه موسویان محله مسعودیه اعزام شدند و مشاهده کردند مردم در حال پاشیدن آب روی آن هستند که در ادامه توانستند شعله‌های آتش را خاموش کنند و جسد سوخته مردی حدود ۳۰ ساله را که در صندلی عقب خودرو افتاده بود، پیدا کردند. موضوع به مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و او و پلیس جنایی در محل حاضر شدند. مرد میانسال همسایه به بازپرس جنایی گفت: صبح بیدارشدم و به حیاط خانه رفتم تا وضو بگیرم که دیدم دود همه جا را گرفته است. وارد کوچه که شدم، با خودروی پراید سفیدی رو به رو شدم که آتش گرفته بود. خودم را سریع به محل پارک خودرو رساندم. فردی در صندلی عقب آن افتاده بود و دست و پا می‌زد. خواستم کمکش کنم، اما چهار در خودرو قفل بود. همسایه‌ها را صدا زدم و با بیل و چوب، شیشه عقب خودرو را شکستیم. اما شعله‌های آتش زیاد بود و نتوانستیم او را از خودرو بیرون بیاوریم.

در ادامه، ماموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل کشف جسد سوخته پرداختند که در یکی از دوربین‌ها تصاویر مردی را یافتند که ساعت ۴ و ۱۰ دقیقه یعنی زمان آتش گرفتن خودروی پراید از آن بیرون آمده و فرار کرده است.
در ادامه پلاک خودرو استعلام و مشخص شد دو روز قبل، مالک خودرو سرقت آن را گزارش کرده است.
با دستور بازپرس شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای جنایی تهران تحقیقات جنایی برای شناسایی هویت جسد سوخته و شناسایی همدست او آغاز شد.

تلنگر

دستگیری دزدان خانه عابدزاده

سارقان اموال احمدرضا عابدزاده در شمال کشور از سوی پلیس دستگیر شدند.
به گزارش ورزش جام جم، احمدرضا عابدزاده که شمال کشور رستوران داری می کند، خانه اش نیز در همانجاست و سه روز قبل در اقدامی عجیب خانه و مغازه وی مورد دستبرد سارقان قرار گرفت. سارق هایی که به خانه و رستوران عابدزاده دستبرد زدند، لباس ها و دستکش های او در جام جهانی ۱۹۹۸ به همراه تابلوهای نفیس و برخی هدایای مردم و مجسمه های داخل منزل و وسایل گرانقیمت را دزدیدند. همچنین لوسترهای مغازه عابدزاده نیز مورد سرقت قرار گرفت و همین موضوع عصبانیت عقاب فوتبال ایران را در پی داشت. با پیگیری های پلیس استان مازندران چهار نفری که در این سرقت نقش داشتند، دستگیر شدند. گفته می شود دو نفر از این سارقان به قید وثیقه آزاد شده اند و دو نفر دیگر با توجه به سوابق کیفری به زندان رفتند.

مرگ مشکوک زن جوان بعد از ازدواج دوم

زن جوان سه ماه بعد از ازدواج با همسر دومش به طور مشکوکی در خانه‌اش فوت شد و شوهر ۲۴ ساله او به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۸ و ۳۵ دقیقه سه‌شنبه ۲۶ فروردین امسال، یکی از ماموران کلانتری مشیریه با مصطفی واحدی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و اعلام کرد زن ۳۹ ساله‌ای به طور مشکوکی در خانه‌اش فوت شده است. در ادامه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در آنجا حاضر و در بررسی‌های اولیه متوجه به‌هم‌ریختگی خانه شدند. شوهر وی نیز زمانی که به خانه بازگشته جسدش را یافته است.
ماموران به تحقیق از شوهر ۲۴ ساله او پرداختند که گفت: «من و همسرم شب قبل بر سر مسائل خانوادگی با هم دعوا کردیم که عصبانی شدم و شبانه خانه را ترک کرده و رفتم نزد خانواده‌ام و عصر روز بعد که به خانه بازگشتم او را بی‌هوش یافتم و به اورژانس زنگ زدم که با آمدن امدادگران آنها گفتند زنم فوت شده و بعد به پلیس خبر دادند.»
با توجه به این‌که مادر و برادر زن فوت شده در محل حاضر شده بودند به تحقیق از آنها پرداختند که برادر این زن گفت: «خواهرم از شوهر اولش جدا شده و در یک کارگاه کار می‌کرد که در آنجا با یکی از همکارانش آشنا شده و - در حالی که او ۲۴ ساله بود و از خواهرم ۱۵ سال کوچک‌تر - سه ماه پیش ازدواج کردند. خواهرم، هزینه رهن خانه اجاره‌ای را داد و خودرویی خرید تا شوهرش با آن کار کند. این اواخر آنها با هم دچار اختلاف شده و درگیری‌هایی داشتند. شب قبل خواهرم به من زنگ زد و خواست جانش را نجات دهم و کمکش کنم و او را از این خانه ببرم در غیر این صورت شوهرش او را خواهد کشت. عصر روز بعد که به خانه خواهرم رفتم تا با او حرف بزنم متوجه مرگ وی شدم. با توجه به شکایت این خانواده، داماد جوان به عنوان تنها مظنون در مرگ مشکوک همسرش با دستور بازپرس شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران بازداشت و برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد.

قتل در هواخواهی از پسر دایی

رئیس پلیس آگاهی استان البرز از دستگیری عامل جنایت در منطقه آسارا خبر داد.
سرهنگ محمدنادر بیگی در این باره به خبرنگار جام جم گفت: در نخستین روزهای تعطیلات نوروز، ماموران پلیس آگاهی در جریان مرگ مشکوک پسر جوانی در منطقه آسارا قرار گرفتند. پس از حضور تیم جنایی مشخص شد، پسرجوانی به خاطر اصابت ضربه چاقو به سینه اش به شدت مجروح شده و در بیمارستان فوت کرده است. در ادامه تحقیقات سه نفر از افرادی که با مقتول درگیر شده بودند، شناسایی شده و دونفر از آنها دستگیر شدند. با اعترافات آنها هویت عامل جنایت شناسایی و در عملیاتی دستگیر شد.
وی افزود: متهم در بازجویی ها به قتل اعتراف کرد و مدعی شد: در خانه بودم که یکی از دوستانم تماس گرفت و خبر داد چند نفر در حال کتک زدن پسر دایی من هستند. از آشپزخانه چاقویی برداشته و راهی محل درگیری شده و در آنجا شروع به فحاشی کردم. مقتول مقابلم آمد که با چاقو یک ضربه به سینه اش زدم که باعث مرگ او شد. سریع از محل فرار کردم که ماموران مخفیگاهم را شناسایی کرده و دستگیر شدم.